

کندی: متفکر بزرگ سده‌های میانه



| پیتر آدامسون |

| مترجم: حسن جعفری |



کندی: متفکرِ بزرگِ سده‌های میانه

نویسنده: پیتر آدامسون

ترجمه: حسن جعفری



نقد فرهنگ

۱۳۹۹

• سرشناسه: آدامسون، پیتر، ۱۹۷۲ - م. Adamson, Peter.
• عنوان و نام پدیاور: کندی: متفکر بزرگ سده‌های میانه/ نویسنده پیتر آدامسون؛ ترجمه حسن جعفری؛ ویراستار بهنام بیرامی.
• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۹.
• مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۴۸-۰
• وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
• موضوع: کندی، یعقوب بن اسحاق، ۱۸۵-۲۵۲ق. — فلسفه اسلامی.
• شناسه افزوده: جعفری، حسن، ۱۳۲۹-، مترجم
• رده‌بندی کنگره: BV۵۲
• رده‌بندی دیویی: ۱۸۱/۶
• شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۰۸۴۰۰



نقد فرهنگ

 @naqdefarhangpub
  www.naqdefarhang.com
  naqdefarhangpub

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳
 تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ | مراکز پخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

• نام کتاب: کندی: متفکر بزرگ سده‌های میانه	
• نویسنده: پیتر آدامسون	• مترجم: حسن جعفری
• نوبت چاپ: چاپ اول	• ویراستار: بهنام بیرامی
• تیراژ: ۵۰۰ نسخه	• سال انتشار: ۱۳۹۹
• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۴۸-۰	• قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۷.....	مقدمه مترجم
۱۳.....	پیش درآمد
۱۹.....	مقدمه مؤلف
۲۲.....	استنادات و اختصارات ترجمه
۲۵.....	فصل اول: زندگانی، آثار و تأثیر [کندی بر فلسفه]
۲۶.....	زندگانی، بافت، ساحت تاریخی
۳۰.....	آثار
۳۹.....	سنت کندی
۴۶.....	جدیدترین نقدها بر سنت کندی
۵۱.....	پی‌نوشت‌های مؤلف: فصل اول
۵۷.....	فصل دوم: فلسفه، منابع و ساختار [آن]
۵۸.....	دفاع از فلسفه
۶۲.....	منابع فلسفه
۶۹.....	ساختار فلسفه
۸۱.....	تلفیق فلسفه
۹۱.....	پی‌نوشت‌های مؤلف: فصل دوم
۹۷.....	فصل سوم: متافیزیک؛ وحدانیت و هستی
۹۸.....	خدا؛ واحد حقیقی
۱۱۲.....	خدا؛ فاعل حقیقی
۱۱۹.....	آفرینش و هستی
۱۳۰.....	خالق به معنی محرک
۱۳۴.....	پی‌نوشت‌های مؤلف: فصل سوم
۱۴۳.....	فصل چهارم: ازلیت؛ خالق نامتناهی و عالم متناهی
۱۴۵.....	زمینه یونانی
۱۵۸.....	استدلال‌های درون متنی

دلائل ازلیت	۱۶۷
مخلوق یا ازلی [حادث یا قدیم]	۱۷۵
پینوشت های مؤلف: فصل چهارم	۱۸۶
فصل پنجم: روان شناسی، نفس، عقل و معرفت	۱۹۵
نفس و بدن	۱۹۶
عقل	۲۱۱
حافظه و شیکاف معرفت شناختی	۲۲۳
تخیل و رؤیاهای پیامبران	۲۳۳
پی نوشت های مؤلف: فصل پنجم	۲۴۴
فصل ششم: اخلاق، سقراطی، رواقی و افلاطونی	۲۵۳
سرمشق غالب سقراطی	۲۵۵
التقاط گرایی رساله «درباره تسلی اندوه»	۲۶۱
بازنگری رساله «گفتار درباره نفس»	۲۷۰
پی نوشت های مؤلف: فصل ششم	۲۷۴
فصل هفتم: علوم تجربی؛ ریاضیات و روش شناسی	۲۷۹
علم حساب در طب	۲۸۰
هندسه رؤیت	۲۸۷
هارمونی عالم	۲۹۶
پی نوشت های مؤلف: فصل هفتم	۳۰۷
فصل هشتم: افلاک: پیشگویی و مشیت الهی	۳۱۵
علت حرکت فلکی	۳۱۶
علت حرکت عالم مادی	۳۲۱
رساله «درباره پرتوها»	۳۲۵
نظریه کاربرد؛ طالع بینی و هواشناسی	۳۲۹
قلمرو نفوذ مینوی	۳۳۸
پی نوشت های مؤلف: فصل هشتم	۳۵۱
کتاب شناسی	۳۵۹

مقدمه مترجم

فرایند مطالعات و تدریس در مراکز علمی و دانشگاهی و روند تأملات عقلانی و علایق فلسفی به فلسفه اسلامی به خصوص نخستین فیلسوف اسلامی، یعقوب بن اسحاق کندی، مرا واداشت تا کتابی در خور قامت اندیشه و تجربیات فلسفی و علمی این فیلسوف بزرگ اسلامی بنگارم، تا بدین طریق بتوانم ریشه‌ها و لایه‌های تفکرش را در گستره‌ی فرهنگی بغداد بجویم و در این مسیر، همیشه این سؤال محوری در افکارم سیلان داشت که چگونه وی به مثابه‌ی فیلسوفی بسیار برجسته و مشهور در جهان اسلام، خوش درخشید و نگرش فلسفی‌اش، در سده‌های تاریخ تحولات تفکر فلسفی، مورد اهتمام فلاسفه و متکلمان اسلامی و غیراسلامی، قرار گرفت و این چنین مایه اعجاب و شگفتی اهل اندیشه شد. همچنین، کیفیت دسترسی وی به منابع اصیل یونانی در حد فاصل بین یونان باستان که سرچشمه فلاسفه بزرگی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو بوده - و دوران شکوفایی تمامی علوم و معارف انسانی به خصوص علم کلام و فلسفه در عالم اسلام، از موارد بسیار جنجال‌برانگیز است که چگونه در آن روزگاری که هنوز دانشگاه و مدرسه رسمی در بغداد، شکل نگرفته بود، وی به چنین مرحله‌ای از دانش و حکمت در تمامی عرصه‌های مختلف آن، نائل شده است، به گونه‌ای که بتواند در تمامی شاخه‌های علوم و معارف بشری، رساله‌هایی را تألیف کند؛ هر چند در آن شرایط، جدال‌های کلامی و گفت‌وگوهای دینی در حلقه‌های علمی و مجامع عمومی در جریان بود که شگفتی محققان و مستشرقان را برانگیخت و یا در محافل دربار خلفاء و امرا، مباحث

ادبی و علمی را به منزله تفریحات شبانه، پاس می داشتند.

با وجود این سؤالات، بعد از تهیه منابعی اصیل و تأثیرگذار از نویسندگان و محققان عرب و اندیشمندان صاحب نام از دیار مغرب زمین، و غور و خوشه چینی از اندوخته های علمی آن ها، به مواردی برخوردیم که به باور من حلقه های مفقودی هستند از نحوه ی رشد و بالندگی اندیشه های فیلسوفی همچون کندی، که به وضوح از آن ها سخن نرفته است و در طول مطالعاتم، این پرسش ها دغدغه های جدی ای را برایم ایجاد کرد و همچنان بر مشکلات آن افزوده می شد تا این که کتاب «کندی: متفکر بزرگ سده های میانه» از نویسنده انگلیسی-آلمانی تبار، پیترو آدامسون را یافتم. با بررسی این کتاب، متوجه علل و ریشه اصلی آن ابهامات و پرسش هایم شدم و این اثر نگرش جدیدی را بر من گشود تا بتوانم به این فیلسوف اسلامی از منظر تاریخی و هرمنوتیکی دوباره بنگرم. در نتیجه، طرح خود را کنار نهادم و مصمم شدم تا این کتاب ارزشمند را به فارسی برگردانم تا برای کانون های مطالعات علمی و فلسفی، مؤثر واقع شود و من از راهبردها و راهکارهای مفید و داده های سودمندش در تدوین کتاب منظور، نیز بهره بجویم. هر چند محققان مغرب زمین در تحقیقات خود راجع به فلسفه اسلامی، در یک فضای خاص فکری قرار دارند که به صراحت ادعا می کنند که فلاسفه و حکمای اسلامی وام دار فلسفه نوافلاطونی و شارحان ارسطو هستند. بدین جهت، سعی و تلاش می کنم تا در واکاوی از تاریخ فلسفه اسلامی، مفتون آن الگوی غالب یا پارادایم مستشرقان نشوم و احتیاط را از کف ندهم و کتابی راجع به کندی، فیلسوف مسلمان براساس وضوح حقیقت تاریخی بنویسم که در خور چنین فیلسوف و متفکری باشد.

ابویوسف، یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۵-۲۶۰ ق / ۷۹۶-۸۷۳ م)، از بزرگ ترین متفکرانی است که در انتقال فرهنگ و دانش یونان قدیم به جهان اسلام، سعی و تلاش فراوانی کرد. او در میدان فلسفه و دیگر شاخه های مختلف علمی، توانا بود و در همه ی عرصه های علمی، کتاب ها و رساله هایی را نوشت، که این ندیم حدود ۲۳۸ رساله و کتاب را از او معرفی کرده است. وی در بصره (در بعضی اقوال در کوفه) متولد و به بغداد مرکز علم و دانش منتقل شد و در آن جا، تحصیلات خود را

آغاز کرد. او از خادمان دولت‌های وقت به شمار می‌آمد و با بزرگان ادب، معاشرت داشت و بسیاری از کتاب‌های فلسفی را ترجمه و مشکلات آن‌ها را اصلاح کرد و شروحي به مطالب پیچیده آن‌ها افزود. کندی را می‌توان نخستین متفکر و فیلسوف مسلمان نام نهاد که بیشتر متکلمی بود با علایق فلسفی، تا فیلسوفی با تمایلات کلامی. براین اساس، او در وفاق فلسفه و آموزه‌های عقیدتی، تا بدان جا پیش رفت که با حفظ بدون قید و شرط اصول و عقاید، در صدد برآمد تا برشالوده باورهای دینی، بنای عقلی-فکری منسجمی را بناء کند و بدین جهت، می‌توان گفت او مدافع انطباق سلوک عقلی بر نصوص و حیانی بود.

«کندی: متفکر بزرگ سده‌های میانه»^۱، ترجمه یکی از آثار مهم اندیشمند و فیلسوف انگلیسی-آلمانی تبار، پیترا آدامسون، متولد اوت ۱۹۷۲ و استاد فلسفه باستان، سده‌های میانه، به خصوص فلسفه اسلامی است. کتاب یاد شده یکی از آثار مجموعه منتشر شده از سوی دانشگاه آکسفورد راجع به بزرگان قرون وسطی است که به تحلیل همه‌جانبه افکار و دل‌مشغولی‌های این فیلسوف بزرگ اسلامی پرداخته است. پیترا آدامسون در آثار متعدد خود به فلسفه اسلامی پرداخته، به‌طور نمونه کتاب «فلسفه در جهان اسلام»^۲ از انتشارات آکسفورد در سال ۲۰۱۶ را منتشر کرده است. او به‌طور کلی به گستره‌ی وسیعی از اندیشه‌های متفکران یهودی، مسیحی و همچنین مسلمانان پرداخته است و یا در خصوص افلوپتین^۳ و پروکلس عربی و فیلسوفان حد فاصله ارسطو و فیلسوفان اسلامی از قبیل کندی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری را به زیور طبع، آراسته است. آدامسون در کتاب «فلسفه در جهان اسلام»، تمامی موضوعات فلسفه اسلامی در آن روزگار را بررسی می‌کند و با دقت علمی و با واکاوی مباحث تاریخی و فرهنگی آن زمانه، در ریشه‌یابی مسائل فلسفه اسلامی و ارتباطش با فلسفه‌های کهن، شیوه‌ی نوینی را به کار می‌گیرد. رجوع وی به

1. Al-Kindi, Peter Adamson, Oxford University, 2007.

2. Philosophy in the Islamic World: A History of Philosophy without Any Gaps, Peter Adamson, Oxford University Press, 2016.

3. The Arabic Plotinus: A Philosophical Study of the Theology of Aristotle (Gorgias Islamic Studies), Peter Adamson, Variorum Collected Studies Series, 2014.

منابع کهن در کنار اطلاعات جامع و آشنایی کاملش درخصوص فلسفه اسلامی و فلاسفه قبل از اسلام، درخور ستایش است. او در این کتاب، به مهم ترین شاخصه های فکری کندی در جنبه های مختلف فلسفی و علمی از جمله: شخصیت علمی، دیدگاه های فلسفی کندی راجع به دانش فلسفه، خداوند، ازلیت، روان شناسی، علم اخلاق، علم افلاک و پیشگویی یا مشیت الهی پرداخته است. آدامسون در این اثر بسیار مهم از یک الگوی غالب (پارادیم) مطالعاتی متفکران غرب درخصوص فلاسفه اسلامی تبعیت می کند و در بسیاری از تحلیل های خود راجع به ابداعات فلسفی و علمی کندی، به منشأ و مأخذ نوافلاطونیان و شارحان ارسطو و به خصوص به افلوطین و پروکلس عربی ارجاع می دهد. او در این تحقیق ارزشمند به نکات بسیار مهمی درخصوص ارتباط بسیار نزدیک کندی با فلسفه کهن اشاره می کند. از جهد و کوشش وی بسیار سپاسگزاریم، ولی محققان و فلاسفه اسلامی معاصر باید در صدد باشند تا با ارائه تحقیقات جامع و کامل، استقلال فلاسفه اسلامی از جمله کندی را در اخذ مطالب و مباحث فلسفی و علمی به اثبات برسانند.^۱

باید متذکر شد در اثنای ترجمه، به «رسائل الکندی الفلسفیه» به کوشش محمد عبدالهادی ابوریثه، از انتشارات دارالفکر العربی مراجعه و سعی کردم تا متن ترجمه انگلیسی آدامسون را با متن عربی تطبیق دهم تا بتوانم به فحوای کلام کندی پی ببرم. متأسفانه نتوانستم به کتابی مراجعه کنم که خود مؤلف، از آن رسائل کندی را به انگلیسی برگردانده است. همچنین در نقل و قول از سخنان کندی به ترجمه ارزشمند دکتر سید محمود ثانی در کتاب بسیار وزین «مجموعه رسائل فلسفی کندی»^۲،

۱. بدون هیچ گونه تعصب و پیش داوری راجع به تأثیرات کندی در انتقال فرهنگ یونان به جهان اسلام، باید اذعان کرد که وی در برساختن تفکری مستقل در موضوعات فلسفی به منزله فیصله دادن مشکلات کلامی و دینی، کمترین دار سنت فلسفی یونان بوده است. براساس این نکته ای بسیار پراهمیت، پژوهشگران در حوزه تاریخ فلسفه اسلامی بکوشند تا این روحیه استقلال طلبانه فیلسوفان اسلامی را با براهین و شواهد متقن به اثبات برسانند.

۲. کندی، یعقوب بن اسحاق، مجموعه رسائل فلسفی کندی، ترجمه: سید محمود یوسف ثانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷، چاپ اول.

رجوع کرده و عبارات زیبایی وی را بر ترجمه خویش ترجیح داده‌ام و بدین طریق از ایشان کمال امتنان و سپاس را دارم.

در پایان با سپاس از استادان و همه دوستانی که در این راه یاری رسان بوده‌اند، برای اصلاح لغزش‌ها و خطاهای در ترجمه این کتاب، خود را نیازمند راهنمایی‌های بیشتر و گوشزد بزرگان می‌دانم. جا دارد در این جا از مدیر دانشمند و گرانقدر انتشارات «نقد فرهنگ»، جناب آقای دکتر بیژن عبدالکریمی، بابت همکاری خالصانه‌اش در نشر این کتاب، تشکر کنم.

حسن جمفری

پیش درآمد

اگر برای مردم این عصر، راجع به اندیشمندان بزرگ سده‌های میانه سخن بگویید، بسیاری از آن‌ها، شگفت زده خواهند شد؛ زیرا، براساس باور امروزی، اگر متفکری بزرگ، یکی از افرادی به شمار آید که بتواند مطلبی ارزشمند برای تعلیم و تعلم ما ارائه دهد و اگر آن دوره [سده‌های میانه] از خصوصیتی برخوردار باشد که سوانح و وقایع سال‌های تقریبی ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ م (۹۰۰-۱۰۰۰ ق) را توصیف کند، در این صورت، اغلب بدین سان تصور می‌شود که نمی‌توان متفکران سده‌های میانه را اندیشمندان بزرگ نامید.

آیا بهتر نیست که در بیشتر اوقات، یک راه حل را با توجه به شیوه‌هایی ارائه کنیم که نویسندگان سده‌های میانه عادت داشتند تا در خصوص آزمون استدلال و نظریه پردازی، به منابع موثق دینی، استناد کنند؟ اما همان‌طوری که در حال حاضر خیلی‌ها می‌گویند - چنین توسل و استنادی به منابع دینی، جوهر اصلی تفکر بزرگ به شمار نمی‌آید. اینک اگر سخنی راجع به فلسفه و علم الهیات جدید هم به میان نیاوریم، اندیشه برجسته و باشکوه‌ایی در چنین افرادی که قبل از رنسانس و زایش علم مدرن می‌زیستند، یافت نمی‌شود. در این عصر، پژوهندگان علوم تجربی بندرت به آثار علمی پیش از قرن هفدهم رجوع می‌کنند. دانشجویان فلسفه در قرن بیستم، اغلب هیچ مطلبی راجع به تاریخ‌نگاره‌های مابین ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) و دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰ م) فرا نگرفته‌اند. دانشجویان جدید در علم الهیات [کلام]، اغلب به باور و اعتقادی گرایش دارند که در آن تفکر مهم کلامی، بر ساخته

اندیشه های کلامی قرن نوزدهم است.

بنیان های نوین علم تجربی، همچنان ما را متقاعد می کنند که عالم و نظام هستی، امکان تحقیق و پژوهش عقلانی را مهیا می سازد و این نظام بدین شکل، منسجم است تا آشفته. - این امر متقاعدکننده در خلال سده های میانه نیز به طور کامل رخ داد و به صورت نظام مند کنکاش شد و توسعه یافت. هرچند در تفکر سده های میانه در عرصه های فلسفه و علم الهیات، برخی از مباحث بسیار پیچیده و خیلی دقیقی را می یابیم که از زوال انسان حکایت داشت - شاید تذکر این نکته عجیب نباشد که فیلسوفان و متکلمان سده های میانه همانند رقبای هم عصرشان، اغلب استادان دانشگاه بودند (یا اموری شبیه به آن) و آن ها در گفتگوی موجود در عالم، مشارکت داشتند و (همانند بسیاری از فلاسفه و متکلمان قرون هفدهم و هجدهم و حتی نوزدهم) از مردمانی نبودند که جماعت بزرگی از استادان و دانشجویانی که به طور مرتب با آن ها در ارتباط اند را به انزوای نسبی سوق دهند. و اما مسأله ای استناد به منابع دینی، مسلماً سخن درستی است که بسیاری از متفکران سده های میانه به منابع (به خصوص منابع دینی) به عنوان معیار و محکمه جدی در داوری باور داشتند، و در حال حاضر، بسیاری به درستی می گویند که نمی توان تا این قدر به این منابع اعتماد داشت. اما همان گونه که فلاسفه معاصر به طور فزاینده ای به ما یادآوری می کنند که منابع، همان قدر که جزء سازنده ی تفکر ما به شمار می آیند، برای متفکران سده های میانه، جنجال برانگیز بوده اند (مگر این که کسی به خاطر تفاوت های موجود در میان متفکران، به طور منطقی بگوید که چنین چیزی به عنوان «تفکر سده های میانه» وجود ندارد). از آن رو که بیشتر مطالبی که ما خودمان را به دانستن آن ها عادت می دهیم، از اعتماد ما به استادان، همکاران و دوستان مختلف خود و ارتباط جمعی نشئت می گیرند. هرگاه سخن از باور و اعتمادی مبتنی بر منابع به میان می آید، تفاوت اساسی ما و متفکران سده های میانه، در این نکته خواهد بود که اعتماد و باور آن ها (تا آن جایی که این گونه بوده اند)، نسبت به باورهای ما، اغلب بسیار کانون توجه بوده و به طور صریح آن منابع پذیرفته می شده است؛ درست نیست که بگوییم که اعتمادشان به

منابع موثق نسبت به روش اتکای ما به منابع، غیرتجربی و نقدناپذیر بوده است. در سال‌های اخیر، این‌گونه حقایق در سطح به اصطلاح علمی و دانشگاهی به تدریج به رسمیت شناخته شد، دیگر نمی‌خواهند چنین گمان کنند که سده‌های میانه، دوران تاریکی (یعنی فقدان غنای عقلانی) است و اکنون بسیاری از رشته‌های دانشگاهی (و بسیاری از ناشران کتب و مجلات) بیشترین توان خود را به بررسی تفکر سده‌های میانه اختصاص می‌دهند و به همین دلیل، آن‌ها بدین نحو، فقط به فرضیه‌ای که سده‌های میانه صرفاً اهمیت تاریخی دارد، بسنده نمی‌کنند؛ بلکه در پرتو گستره‌ی رو به افزایش پژوهش‌ها، آن دوران را آکنده از گفتمان و اموری پندآموز نیز یافتند. گرچه حمایت از اندیشه‌های بازه طولانی سده‌های میانه، فقط گونه‌ای از علاقه قدیمی و کهنه به شمار می‌رفت، ولی اکنون ما شاهد احیاء و بازنگری آن‌ها، به عنوان عقیده امروزی و معاصر هستیم؛ اموری که باید پیرامونشان بحث و گفتگو کرد و آن‌ها را فرا گرفت.

معرفی مجموعه «متفکران بزرگ سده‌های میانه»، بخشی از این احیای شگفت‌انگیز است. آثار گروهی از محققان برجسته، کمک می‌کند تا زمینه و مقدمات اساسی را برای بازشناسی اصناف مختلف نویسندگان سده‌های میانه، فراهم سازد. این محققان در هنگام نگارش، گمان نمی‌کردند که تا این حد، مطالبی این چنین ارزشمند برای مطالعه‌ی عصر حاضر، وجود داشته باشد. در حال حاضر، وقتی که دانشجویان ادبیات سده‌های میانه به تحقیق موضوعات مورد علاقه خود (مثلاً آثار چاسر^۱) می‌پردازند، منابع فرعی (گرچه خیلی هم ضروری نیستند)، به کمک آن‌ها می‌آید. اما علاقه‌مندان به فلسفه و علم کلام (علم الهیات) سده‌های میانه، با وجود این که مجلدهای قابل دسترس و موثق به یاری آن‌ها می‌شتابند، ولی آن‌ها در کسب این منابع، به هیچ وجه چنان خوش شانس نیستند. به هر روی، مجموعه متفکران سده‌های میانه با تمرکز بر فلاسفه و علمای علم الهیات سده‌های میانه و با ارائه نکات اساسی از زندگانی و افکارشان و درآمیختن آن با نگرش امروزی، می‌خواهند آن ضعف و نقصان را جبران کنند. اگر

۱. Geoffrey Chaucer جفری چاسر، شاعر، نویسنده، فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی (۱۳۴۳-۱۴۰۰) بود. (م)

آثار موجود در این مجموعه [متفکران سده های میانه] را به طور جداگانه در نظر بگیریم، آنها را جمع به متفکران معروف، اطلاعات ارزشمندی را ارائه خواهند کرد، [ولی] هیچ یک از مجلد های قابل قیاس با [این مجموعه] به آسانی شامل بسیاری از متفکران نمی شوند. اما اگر بخواهیم متفکران بزرگ را در یک مجموعه ملاحظه کنیم، آن ها، پیشینه و بحث گران بها و متمایزی از علم کلام و فلسفه ی سده های میانه را در یک ارزیابی همه جانبه فراهم خواهند ساخت. مؤلفان این مجموعه، با توجه به نگرش محققان، دانشجویان و خوانندگان غیرمتخصص، تلاش می کنند [این آثار را] تا به شیوه ی واضح و قابل دسترس و با بیانی روشن و صریح به نگارش در آورند، به طوری که درباره هر متفکری که می نویسند، آن اثر حتی بتواند برای کسانی که از قبل، هیچ اطلاعاتی را جمع به آن شخصیت ها ندارند، آموزنده باشد. اما [جدای از این] همه صاحبان مقاله در این مجموعه نیز می خواهند اثرگذار، متعهد و در کل، حتی برای آن هایی که دانش تخصصی در زمینه تفکر سده های میانه دارند، قابل قبول باشند. بنابراین، در ارزیابی و معرفی مجلد های این مجموعه، سعی دارند تا موقعیت مطالعات سده های میانه را هم از لحاظ رتبه تاریخی و هم از جنبه نظریه پردازی، توسعه دهند.

موضوع مختص به این مجلد، [«کندی: متفکر بزرگ سده های میانه»]، اولین متفکر اسلامی سده های میانه است که یک جلد از این مجموعه را به خود اختصاص داده است. به باور پیتر آدامسون، این نکته که کندی را (متولد ۸۰۰ م / ۱۷۸ق) به عنوان نخستین فیلسوف در سنت عربی در همان روزگار، معرفی کند، بسیار مهم است. (همان طوری که تالس ملطی اولین فیلسوف یونان باستان بوده است). آثار به جای مانده ی کندی، پیکره ی مهمی از وی را برمی سازد و طیف وسیعی از علایقش را به نمایش می گذارد. احتمالاً در بصره به دنیا آمد و درباره مسائلی نوشته است که ما اکنون به عنوان موضوعات فلسفی و کلامی می شناسیم. همچنین او درباره طب و طالع بینی [ستاره شناسی] رساله هایی دارد. در مقام یک شارح و مفسر آثار جگمی یونانیان، در وصف شخصیت هایی همچون افلاطون، اقلیدس و بطلمیوس، مسائلی درخور توجه دارد. وی بسیار علاقه داشت تا از آثار

فلسفی یونانی متأخر بهره جوید که بتواند به زبان فلسفی با مخاطبان عرب زبان سخن بگوید. به همین جهت، کندی برای متفکران عربی [مسلمان] بعد از خود (از قبیل ابن سینا و ابن رشد) میراثی را به جای گذاشت که فلاسفه و متکلمان مسیحی در انتشار آن کوشیدند و از آغاز قرن سیزدهم به بعد، در اروپا کارآمد بود.

در نهایت باید پرسید که آیا کندی در ارتباط با ما، از مطالب معقول و منطقی سخن می گوید؟ آیا استدلال هایش راجع به باورها و عقایدی که اقتباس می کند، درخور توجه است؟ با وجود این که زمان زیادی از مرگ او می گذرد، آیا او شخصیتی است که اکنون از نظر عقلی با افرادی دیگر در چالش باشد؟ گویا این مجلد، با عالی ترین انسجام عالمانه در ارائه مستندات تفکر کندی، در صدد است تا وی را به عنوان فردی ارزیابی کند که در دوران معاصر، هم بتوان از وی سخن گفت. پیتر آدامسون، نه تنها اطلاعات وسیعی راجع به آثار کندی دارد، بلکه وی فردی است که می تواند آن ها را به تفصیل نیز واکاوی نماید. بدین شکل، شما از طریق مطالعه این کتاب منظورم را خواهید یافت.

برایان دیویس^۱

مقدمه مؤلف

یکی دو سال قبل، وقتی که به تدوین اندیشه‌های خود راجع به کِندی در یک کتاب می‌اندیشیدم، به صورت اتفاقی کتاب بسیار عالی جان مارینون درباره بوئیتوس^۱ را در این مجموعه [«متفکران بزرگ سده‌های میانه»]، مطالعه نمودم. به عقیده من، این اثر، دقیقاً همان نوع کتابی است که امیدوارم بنویسم. همانطور که مارینون می‌خواهد از طریق مطالعه تمامی آثار بوئیتوس، اثری عالمانه را عرضه کند و بر انگاره‌های خاصی در آثارش، تمرکز می‌کند که بتواند مخاطبان فلسفی را طرف خطاب خود قرار دهد، این کتاب [کِندی: متفکر بزرگ سده‌های میانه]، قصد دارد تا همان کار را انجام دهد و کِندی را در معرض یک تحلیل فلسفی بسیار روشن و صریح نسبت به آن‌چه معمولاً از وی درک شده است، وانهد. وقتی کتاب استاد مارینون را مطالعه کردم، تحت تأثیر قرار گرفتم، زیرا شباهت‌هایی در کِندی و بوئیتوس وجود داشت: هر دو به ترجمه آثار یونانی ملتزم بودند و برای مسائل خاص مذاهب خودشان، از ابزار فلسفی یونان باستان بهره جستند. (درحقیقت، برخی از انگاره‌هایی که در توضیح آموزه‌های تثلیث برای بوئیتوس کاربرد داشت، کِندی از آن‌ها برای نقد همان آموزه‌ها استفاده کرد). بدین سان، ترغیب شدم تا به این مجموعه [«متفکران بزرگ سده‌های میانه»]، یک مجلد درباره کِندی را پیشنهاد دهم.

از آن جایی که من نگرانی مشابهی نسبت به موردی داشتم که استاد مارینون آن

را در مقدمه کتابش بیان کرده بود،^۱ من هم با همان تأمل و اندک درنگ که: آیا کندی واقعاً یک متفکر بزرگ سده‌های میانه بود؟ مواجه شدم. به گمان من، خوانندگان این کتاب، خودشان قضاوت خواهند کرد که او متفکر بوده یا نه؟ مسأله بسیار دقیق، همان پرسش راجع به زندگانی کندی در سده‌های میانه است. وی در قرن نهم میلادی یا قرن سوم هجری زندگی می‌کرد همان دورانی که به آن سده‌های میانه گفته می‌شود و هر فردی می‌تواند درباره‌اش اطلاعات بدست آورد. اما کاربرد دقیق این اصطلاح [سده‌های میانه]، به دوره‌ی خاصی از تاریخ اروپا مربوط می‌شود نه تاریخ اسلام. با توجه به شرایط تاریخی جهان اسلام، این نشانه‌ها و دلالت‌های ضمنی سده‌های میانه، همراه‌کننده هستند. به‌طور کلی ترجیح دادم تا از قرون تقریباً اولیه فلسفه در میان اعراب، به‌عنوان دوره کلاسیک و کهن یا عصر سرنوشت‌ساز سخن بگویم. به عبارت دیگر، فرد باید نسبت به این امور، واقع‌بین باشد و مطالبی را بپذیرد که فلاسفه، درخصوص کندی مطالعه می‌کنند و یا اکثر دانشجویانی که عناوین درسی و دوره‌های تحصیلی راجع به سده‌های میانه را می‌گذرانند یا تحقیق می‌کنند. در هر صورت، اموری مورد تأیید من هستند که به بسیاری از خوانندگان کندی و فلاسفه بعد از وی که به عربی می‌نوشتند، منتهی خواهد شد. اگر این دوره، به سده‌های میانه نام‌گذاری می‌شود، پس همین‌طور است.

این کتاب را با مساعدت جدی لبرهولم تراس^۲ نوشته‌ام و بدین جهت بسیار سپاسگزار اویم. همچنین از همکاری و تشویق بسیاری از دوستان و همکاران بهره‌مند شده‌ام. باید از اعضای انجمن نمونه‌خوانی متون عربی در مؤسسه واربورگ^۳، به‌خصوص چارلز برنت^۴، و فریتز زیمرمن^۵ تشکر کنم، حتی بدین جهت مقدار زیادی زبان عربی و خود کندی را فرا گرفتم و همچنین به خاطر اولین ملاقات با پیتر

۱. مهمترین نگرانی جان مارینون راجع به بونیئتوس این است که وی زبان یونانی را بخوبی می‌دانسته و اکثر کتابهای منطقی ارسطو را به لاتین ترجمه و برخی از تفسیرهای کتابهای ارسطو را دوباره تفسیر می‌کند، با این وجود، آیا می‌توان وی را بزرگ‌ترین متفکر نامید؟

2. Leverhulme Trust

3. Warburg Institute

4. Charles Burnett

5. Fritz Zimmermann

پورمن^۱ همکارم در یک مجلد آماده چاپ از ترجمه‌های آثار کِنْدی، قدردانی می‌کنم، بدون ایشان، فهم من از این متون، در همه سطوحش، بسیار متزلزل بود. من از توصیه‌های بسیار سودمند دیگر عرب‌شناسان حومه لندن به خصوص آکاشیو^۲، روتو هاستنبرگر^۳، تونی استریت^۴ و سوفیا واسالو^۵ تشکر می‌کنم. از مدت‌های پیش به واسطه همبستگی جامع‌خبرگان و متخصصان فلسفه عرب، توصیه‌ها و راهنمایی‌های خردمندانه دیوید برل^۶، کریستینا د. انکونا^۷، دیمیتری گوتاس^۸ و ریچارد تیلور^۹ برای کتابم راجع به انجمن کِنْدی سودمند بوده است. به خصوص من وام‌دار گفتگوی فراوان با جان مک‌گینیس^{۱۰} هستم که با لطف و مهربانی، دست‌نوشته‌هایم را مطالعه و نظرات بسیار سودمندی را ارائه کرد. همچنین از همکارانم در گروه فلسفه دانشکده کینگز لندن سپاسگزارم، به خصوص ورتیه هات^{۱۱}، ام. ام. مک‌کیب^{۱۲} و ریچارد سوربجی^{۱۳}، که دانشکده کینگز را مکانی جذاب و مطلوب برای تحقیق در فلسفه یونان اختند. در پایان، از خانواده‌ام به خاطر حمایت‌شان: پدر بزرگ، پدر و مادر و برادرم تشکر می‌کنم. به خصوص از همسرم اورسولا^{۱۴} و دخترهایمان: سوفیا^{۱۵} و یوهانا^{۱۶} به خاطر چنین همراهی دلپذیر در نگارش این کتاب، بسیار سپاسگزارم.

-
1. Peter Pormann
 2. Anna Akasoy
 3. Rotraud Hansberger
 4. Tony Street
 5. Sophia Vasalou
 6. David Burrell
 7. Cristina D'Ancona
 8. Dimitri Gutas
 9. Richard Taylor
 10. Jon McGinnis
 11. Verity Harte
 12. MM McCabe
 13. Richard Sorabji
 14. Richard Sorabji
 15. Ursula
 16. Sophia

استنادات و اختصارات ترجمه

این مطالعه، همراه با ترجمه‌ی «آثار فلسفی کندی» (آماده چاپ در دانشگاه اکسفورد) توسط من و پیترو، ایی، پورمن، کتاب راهنما، به شمار می‌آید. ترجمه‌های مربوط به نقل قول‌های آثار کندی، از آن خودم است و بیشتر از همه، اغلب به ضمیمه پیتروپورمن بیان می‌شوند. دیگر ترجمه‌ها، به من تعلق دارند مگر این که به گونه‌ای دیگر اشاره کنم.

وقتی کندی، آثاری را ذکر می‌کند که در ترجمه ما وجود دارد، شماره آن فصل و صفحه ارجاع آن در ترجمه را ارائه می‌کنم که معمولاً ویرایش‌های اصلی آثار کندی، بدین شرح است:

- AR: M. A. H. AbuRida, ed., al-kind, Rasa'il al-kindī al Falsafiyya (Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi, 1950) vol.1. (...، ج ۱، ابوریده)
- AR²: M. A. H. AbuRida, ed., al-kindī, Rasa'il al-kindī al Falsafiyya (Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi, 1950) vol.2. (...، ج ۲، ابوریده)
- RJ: R. Rashed and J. Jolivet, eds. and trans., Oeuvres et Scientifiques al-kindī, vol.2, Métaphysique et cosmologie (Leiden; Brill, 1998). (رشید و ژولیوه، ...)

بنابراین، به طور مثال، در رساله‌ی «در باره فلسفه اولی» (RJ، ۸۳، AR، xix. ۱۵۳)، نخست به فصل xix در ترجمه آدامسون و پورمن (آماده چاپ)^۱ و سپس به شماره صفحه ویرایش ابوریده و رشید و ژولیوه اسناد می‌دهم. برای ارجاع به دیگر ویرایش‌ها، یادداشتی را ملاحظه می‌کنید که این آثار، اولین بار در این کتاب، استناد داده شده است. بدین گونه، برخی مستندات (اختصارات) با ذکر شماره سطر و بعد از آن شماره صفحه با فاصله‌ای یک نقطه (به طور مثال ۱۱.۱۰ به معنای صفحه‌ای ۱۰ و سطر ۱۱) بیان می‌شوند.

۱. از آن جایی که خود مترجم، کتاب مذکور را مطالعه نکرده بود، بدین جهت در سرتاسر کتاب به ترجمه مؤلف و پورمن اشاره‌ای نمی‌کند.

من تصور خود را براین گذاشته‌ام که خواننده این اثر از دانش یونانی، عربی یا لاتینی برخوردار نیست؛ بدین جهت به بسیاری از اصطلاحات و عبارات زبان‌های اصلی اشاره کرده و در ترجمه عربی، از کلیات اختصارات مجله «بین‌المللی مطالعات خاورمیانه» تبعیت کرده‌ام. به‌طور مثال، پایانه مونث «ه» در کلمه «مربوطه» حتی در کلمه «ادیفه» به صورت «a» و حرف تعریف «la» یا «l» نوشته شده است.